

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام  
قاعدهٔ لطف

دکتر علی نقی منزوی

مجموعهٔ سخنرانی‌های هفتمین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی، تهران، ۳۰ مرداد - ۵ شهریور ۲۵۳۵، جلد سوم، به کوشش  
محمد رسول دریاگشت، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شمارهٔ ۱۲۷، برگهٔ ۳۶۵ - ۳۷۵

به کوشش

محمد ابراهیم ذاکر

دکتر علی نقی منزوی



---

|    |  |
|----|--|
| ۰  | .....برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام |
| ۱  | .....قاعده لطف   |
| ۱  | .....برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام |
| ۱  | .....قاعده لطف؛ یا قانون «وَجوب لطف بر خداوند»               |
| ۳  | .....قانون صدور نزد یونانیان                                 |
| ۳  | .....نشر افلاطونیان اسکندریه و قانون صدور                    |
| ۳  | .....وضع جغرافیایی اسکندریه                                  |
| ۴  | .....قاعده صدور در دانشگاه‌های حران و بابل                   |
| ۵  | .....توحید اشرافی  |
| ۵  | .....قانون صدور در قرون اولیه اسلام                          |
| ۷  | .....نتیجه   |
| ۸  | .....این قاعده نزد متأخران                                   |
| ۱۰ | .....کتاب‌نامه   |
| ۱۰ | .....نمایه کتاب و مقاله                                      |

## قاعده لطف

### برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام

مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، تهران، ۳۰ مرداد - ۵ شهریور ۲۵۳۵، جلد سوم، به کوشش محمدرسول دریاگشت، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۱۲۷، برگه ۳۶۵ - ۳۷۵  
 من در کنگره ششم تحقیقات ایرانی تبریز ۱۳۵۴ خ یک نمونه از چنین مسائل را مورد بررسی قرار داده بودم، اینک می‌خواهم مورد دیگری از آن را مطرح سازم.

#### قاعده لطف؛ یا قانون «وجوب لطف بر خداوند»

این قاعده فلسفی که از فروع قاعده «لایصدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ»<sup>۱</sup> است و بیانی دیگر از قاعده «لزوم سنخیت میان علت و معلول» می‌باشد از قواعد فلسفه ثنوی ایران پیش از اسلام بوده است. این سه قاعده با چند قاعده همانند آن روی هم «قانون صدور» نامیده شده‌اند. تفاوتی که میان کاربرد آن قاعده نزد ثنویان پیش از اسلام و موحدین پس از اسلام بوده است، فقط در این است که «وجوب لطف از خدا» پیش از اسلام به صورت وجوب فلسفه یونان بنا شده بوده، تکوینی بوده و پس از اسلام «وجوب لطف بر خدا» به صورت وجوب اخلاقی و تشریفاتی بیان می‌شده است.

ثنویان از قاعده «لایصدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» با اضافه کردن یک مقدمه دیگر که «جهان کثرت ما پُر از تضاد خیر و شر است» نتیجه می‌گرفتند که پس جهان نیازمند به دو مبدأ خیر و شر است. ایشان از قاعده سنخیت میان «علت و معلول» نتیجه می‌گرفتند که «از یزدان، جز لطف و مهر و عدل نباید و از اهریمن، جز کین نزاید» قوانین یاد شده صدور در قرون اولیه هجری همیشه مورد استفاده ثنویان و به ویژه مانویان بوده و من در این جا تنها به چند مورد آن اشارت می‌نمایم.

<sup>۱</sup> برگردان: از یکی، جز یکی زاده نشود.

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

۱- قاسم بن ابراهیم (د: ۲۴۶ق) در کتاب *الردّ علی الزندیق اللعین ابن مقفع* ص ۱۵۲ می‌گوید: (ثم إن فرقة من الكفر قَادَهَا ... و مانی زَعَمُوا أَنَّ الشَّيْءَ لَا يَكُونُ مِنْهُ أَبْدًا إِلَّا مِثْلَهُ جَوْهَرَهُ مَجْتَمَعًا وَ مَفْرَدًا ...)<sup>۲</sup> و این نشان می‌شد که قانون سنخیت بین علت و معلول در سده سوم هجری مورد استفاده فلاسفه ثنوی (مانوی) بوده است.

۲- یعقوبی ۲۸۴ق گوید: قال مانی: و الدلیل علیٰ إِنْهُمَا اِثْنَانِ قَدِيمَانِ خَيْرٍ وَ شَرٍّ أَنَّهُ لَمَّا وَجَدَ إِنْ الْمَادَةَ الْوَاحِدَةَ لَا يَكُونُ مِنْهَا فِعْلَانِ مُخْتَلِفَانِ، فَمِثْلُ النَّارِ وَ الْحَرَارَةِ الْمُحْرَقَةَ لَا يَكُونُ مِنْهُ التَّبْرِيدُ وَ الَّذِي يَكُونُ مِنْهُ التَّبْرِيدُ لَا يَكُونُ مِنْهُ التَّسْخِينُ، فَذَلِكَ الَّذِي يَكُونُ مِنْهُ الْخَيْرِ لَا يَكُونُ مِنْهُ الشَّرِّ وَ الَّذِي مِنْهُ الشَّرِّ لَا يَكُونُ مِنْهُ الْخَيْرِ ...<sup>۳</sup> و سپس تاریخ مانی را به تفصیل آورده است.<sup>۴</sup>

۳- ابن الخياط در *انتصار می‌گوید*: راوندی (د: ۲۴۵ق) بر ابراهیم معتزلی خرده گرفته است که این ابراهیم همانند مانویان به قانون «از یک جنس جز یک جنس نزاید» معتقد شده است و بدین ترتیب قانون «لَا يَصْدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» را یک قانون مانوی دانسته است.<sup>۵</sup>

۴- ابوالفرج ابن الجوزی (۵۱۰ - ۵۹۷ق) در *تلبیس ابلیس آرد*: آن چه ثنویان را بر آن مذهب استوار داشت آن است که گویند: دو چیز از یک چیز نیاید، در حالی که جهان پُر از تضاد خیر و شر است.<sup>۶</sup>

۵- ابن رشد (۵۲۰ - ۵۹۵ق) نیز چنان که خواهد آمد این قاعده را از آن طرفداران خیر و شر تشخیص داده است.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> الرد علی الزندیق اللعین، تصحیح گویدی Michl Anglo. Gyaidi با ترجمه ایتالیایی، چ ۱۹۲۷ در ۵۴ + ۲۸ ص + ۱۲۷ ص مقدمه.

<sup>۲</sup> Z: برگردان: گروهی از کافران به رهبری ... و مانی بر این باورند، هیچ چیزی، جز همانند جوهر و ماهیت خودش، به گونه ترکیبی و تکی، چیزی دیگر نزاید ().

<sup>۳</sup> Z: برگردان: گواه این که دو چیز نیکی و بدی قدیم‌اند و حادث نیستند، آن است که از یک ماده دو فعل و کارکرد مختلف زاده نشود، مانند آتش دارای حرارت سوزاننده است، سردی از آن زاده نمی‌شود و ماده‌ای که سردکننده است، گرمایی نخواهد داشت. از این رو، آن که از آن نیکی زاده شود، بدی نخواهد داشت و آن که از او بدی زاده گردد، نیکی زاییده نخواهد شد.

<sup>۴</sup> تاریخ یعقوبی، چ نجف، ۱۳۵۸ق، برگه ۱۲۹ - ۱۳۵.

<sup>۵</sup> الانتصار فی الردّ علی ابن الراوندي المُلحد، ابن الخياط، چ. نیبرگ، مصر ۱۹۲۵، بیروت ۱۹۵۷، برگه ۳۰ و ۳۴.

<sup>۶</sup> تلبیس ابلیس، ابوالفرج ابن الجوزی (۵۱۰ - ۵۹۷ق)، چ. دوم، محمد منیر. مصر ۱۳۴۷، برگه ۴۴ - ۴۵.

<sup>۷</sup> تهافت التهافت، ابن رشد (۵۲۰ - ۵۹۵ق)، تصحیح سلیمان دنیا. مصر ۱۹۶۴، برگه ۴۷.

## قانون صدور نزد یونانیان

هر چند بنا بر گفته ابن رشد ارسطو از دیمکریتیوس نقل کرده که گفته بوده است: (لا یُمكن أن یکون واحد من اثین او اثنان من واحد)<sup>۱</sup>؛ لیکن چنان که خواهیم دید، خود ابن رشد که ناقل کلام ارسطو است صراحتاً منکر یونانی بودن این قاعده به صورت کامل آن است و آن را از طرفداران خیر و شر برشمرده است.

## نثر افلاطونیان اسکندریه و قانون صدور

### وضع جغرافیایی اسکندریه

این مرکز علمی را که اصولاً بر پایه های فلسفه یونان بنا شده بوده است، در میان دو تأثیر فکری نهاده بود. نئوافلاطونیان یونانی الاصل، از سویی تحت تأثیر گنوس ثنوی هندوایرانی بوده و از سوی دیگر تحت تأثیر توحید عددی یهود فلسطین قرار داشتند. ایشان که قانون صدور ثنویان را به طور اصل مسلم پذیرفته بودند، برای آن که این قانون توحید عددی یهود را بر هم نزنند، راه حلی یافتند که همان سیستم معروف عقول عشره باشد. ایشان با اختراع آن سیستم هم مبدأ واحد عددی را و هم اصل «لا یصدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» را پذیرفتند.

**ابن رشد درباره نفی انتساب سیستم عقول عشره به فلاسفه یونان می گوید:** من این مسأله را که علت و چگونگی صدور کثیر از واحد را در وسایط (عقول عشره) جستجو کنیم در سخنان مشایبان نیافته ام، جز آن چه فروریوس صوری صاحب مدخل علم منطق / ایساغوجی گفته است. وی نیز از فلاسفه زبردست به شمار نمی رود<sup>۲</sup>.

**ابن رشد می گوید** این قاعده تحت تأثیر طرفداران خیر و شر ساخته شده است؛ زیرا هنگامی که توحید مبدأ را ثابت کردند، دچار این اشکال شدند که پس علت کثرت چیست<sup>۳</sup>؟ به تعبیر دیگر نئوافلاطونیان اسکندریه برای جمع میان دو نظر

<sup>۱</sup> Z: برگردان: ممکن نیست یک چیز از دو چیز متفاوت، و یا دو چیز متفاوت از یک چیز ساخته شود. نک: ماوراء الطبیعه، ابن رشد (۵۲۰) - ۵۹۵ق)، چ بوئیز، برگه ۹۷۰.

<sup>۲</sup> تهافت التهافت، ابن رشد، بند ۱۰۶، برگه ۶۸.

<sup>۳</sup> تهافت التهافت، بند ۸۲، برگه ۴۸.

متضاد توحید عددی یهودی و ثنویت آریایی به اختراع سیستم «عقول عشره» به عنوان «وسائط میان وحدت و کثرت» دست زده‌اند و بدین شیوه استنتاج ثنویت را از قانون صدور از میان برداشتند.

### قاعده صدور در دانشگاه‌های حران و بابل

ابن‌دیسان؛ یا بردیسان (۱۵۴ - ۲۲۲) فیلسوف گرد ساکن حران به پیروی از فلاسفه یونان ثنویت ایرانی خیر و شر را به صورت ثنویت «تن - روان»؛ یا جسم و جان؛ یا فیزیک و متافیزیک بیان می‌کرد. این فیلسوف گرد که زبان فرهنگی اش سریانی بود و به همین سبب تحت تأثیر مسیحیت قرار داشت، ثالوث آریایی قدیم (یعنی تز + آنتی - تز ← سنتز؛ یا جهان نور + جهان تاریکی ← جهان سوم مادی) را به تعبیر مذهبی جدید در آورده گفت: «روان پدر زندگی + تن مادر زندگی - مسیح فرزندی»<sup>۱</sup>. مانویان در ترکیب این ثالوث به جای کلمه مسیح، کلمه انسان قدیم را به کار می‌برده‌اند<sup>۲</sup>؛ لیکن مقصود از مسیح نزد دیصانیان و انسان قدیم نزد مانویان شخص عیسا؛ یا آدم ابوالبشر نبوده؛ بلکه منظور نفس کلی جهان مادی است که بشر نیز جزء آن است<sup>۳</sup>.

در عین حال دیصانیان و مانویان که اکثریت فلاسفه سه قرن اول هجری را در بغداد و غرب ایران تشکیل می‌دادند، در این مسأله با هم اختلاف داشتند: مانویان خیر و شر روان و تن هر دو را دو امر وجودی و زنده می‌شمردند، در صورتی که ثنویت دیصانیان تکامل یافته روزبه‌روز از ارزش وجودی تن (جهان تاریکی و بدی ماده) کاسته بر ارزش روان (جهان روشنایی و نیکی) می‌افزودند تا آن جا که کلمه «بدی» مرادف «نیستی» و کلمه «نیکی» مرادف «هستی» شناخته شد.

<sup>1</sup> Dr. H. J. W. Drijvers. Bardaisan of Edesse. Assen 1966. P.P.5.

<sup>۲</sup> فهرست ابن‌ندیم، بخش در احوال مانی.

<sup>۳</sup> بعدها مسیحیان چنان اندیشه آریایی ثالوث را مسخ کردند که اگر به زندگی نامه بیشتر فیلسوفان اروپا بنگریم، نخستین پله دور شدن ایشان از مسیحیت را اعتراض ایشان به خرافات این ثالوث می‌یابیم.



## برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام

**ایشان می‌گفتند:** زندگی، دانش، توانایی، احساس و ادراک همگی از صفات «جهان‌روشنایی» است و «جهان تاریکی» مرده، جاهل، ناتوان، و بی‌حس است.<sup>۱</sup> در میان مسلمانان این نظریهٔ دیصانی به نظام معتزلی ۲۲۱ق نیز منسوب شده است<sup>۲</sup>، در صورتی که مانویان روشنایی و تاریکی هر دو را زنده و حساس می‌شمردند و برای آن استدلال می‌نمودند<sup>۳</sup>.

### توحید اشراقی

اندیشهٔ ثنویت خیر و شر هم چنان تکامل می‌یافت و از صفات وجودی شر کاسته می‌شد تا آن جا که ثنویت ایران به صورت توحید اشراقی ظاهر گشت؛ زیرا که احساس کردند که روشنایی دانش، توانایی، ادراک، و دیگر پدیده‌های جهان هستی علت می‌خواهد، در صورتی که جهل، ناتوانی، تاریکی و دیگر عدمیات نیاز به علت ندارند و به اصطلاح متأخرتر «عدم العلة یکفی علة للعدم» و بدین طریق ثنویت خیر و شر به توحید اشراقی و وحدت وجود منجر گردید یعنی مبدأ کل یکی شناخته شد که همان وجود باشد که هم مبدأ و هم معاد است که هم عاقل و هم معقول می‌باشد.

**شیخ اشراق می‌گوید:** حکیمان ایران باستان موحد و یکه‌گرا بودند و مغ‌ها و موبدان ثنویت را ساخته‌اند؛ لیکن کوشش‌های توحیدگرایانهٔ ساسانیان، مانند تشکیل کنفرانس ارداویراف در عهد شاپور اول ۲۷۲م و کنفرانس آذرپاد در عهد شاپور دوم ۳۹۷م عکس آن را نشان می‌دهد.

### قانون صدور در قرون اولیهٔ اسلام

پس از آن که ثنویت ایرانی به صورت توحید اشراقی تکامل یافت جنبهٔ خطرناک آن نظر مسلمانان (که همانا ثنویت مبدأ بود) از میان برفت و قاعدهٔ «لَا یَصْدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» در ایران نیز مانند اسکندریه از عمل افتاد و کتابی شد، یعنی از صورت یک سلاح قاطع برای ثنویان بیرون افتاده به صورت یک قاعدهٔ فلسفی آکادمیک در آمد و از طرف برخی مسلمانان هم

<sup>۱</sup> ملل و نحل، شهرستانی، چ گیلانی، ج ۱، ۲۵۰.

<sup>۲</sup> مقالات الاسلامیین، اشعری، ج ۲، ۲۷۰.

<sup>۳</sup> تاریخ یعقوبی، ج ۱، ۱۳۰.

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

به رسمیت شناخته شد. با این همه مدت‌ها این قاعده فقط از طرف فلاسفه و گنوسیست‌های صوفی و اسماعیلی قابل تحمل می‌بود و گنوسیست‌های سُنی، یعنی متکلمان معتزلی با آن به شدت مبارزه می‌کردند.

ایشان به ظاهر آیات قرآن که خلقت اشیاء کثیر را به خدای یکتای واحد نسبت می‌دهد، تکیه می‌کردند، اما بالاخره بعد از آن که هجوم افکار نئوافلاطونی از اسکندریه و شیوع افکار توحید اشراقی صوفیه در بغداد صورت خطرناک اثبات ثنویت را از قانون صدور سلب کرد و صورت آکادمیک بدان داد به عنوان یک اصل مسلم فلسفی و یکی از پایه‌های علوم الاوائل حتی نزد گنوسیست‌های سُنی، یعنی معتزله هم پذیرفته شد، اما باز هم خشک‌مذهبان اشعری به مبارزه با این قانون ادامه می‌دادند.

**بغدادی ابومنصور ۴۲۹ق هنگام حمله بر نظام معتزلی در ضمن نقل فضایح او می‌گوید: الفضيحة الرابعة من فضايحه (النظام المعتزلي) دعواه الروح جنس واحد و افعاله جنس واحد ... و إنما اخذ هذا القول من الثنوية<sup>۱</sup>.**

الفضيحة الخامسة من فضايحه: دعواه أنّ الحيوان جنس واحد ... و زعم أيضاً أنّ الجنس الواحد لا يكون منه عملان مختلفان كما لا يكون من النار تسخين و تبريد و لا من الثلج تسخين و تبريد. و هذا تحقيق قول الثنوية أنّ الظلام يفعل الشر و لا يكون منه الخير لأنّ الفاعل الواحد لا يفعل فعلين مختلفين ...<sup>۲</sup>

**و نیز در رد بر نظام معتزلی گوید: و كان في شبابه قد عاشر قوماً من الثنوية ... و زعم أنّ الجنس الواحد لا يكون منه عملان مختلفان كما لا يكون من النار تسخين و تبريد ... و هذا تحقيق قول الثنوية ...<sup>۳</sup>**

<sup>۱</sup> الفرق بين الفرق، بغدادی، باب سوم فصل سوم في بيان مقالات فرق الضلال من القَدَرية و المعتزلة، چ مصر، ۱۹۴۸ م. برگه ۷۹-۸۶. برگردان: رسوای چهارم نظام معتزلی: باور او به یک جنس بودن روح و افعال آن است ... او این سخن را از دوآلیست‌ها گرفته است.

<sup>۲</sup> همان جا. Z: برگردان: رسوایی پنجم او: براین باور است که حیوان دارای یک جنس است ... و هم‌چنین او بر این باور است که از یک جنس دو فعل و کارکرد متفاوت به دست نمی‌آید، همان گونه که از آتش، گرمی و سردی با هم برنیاید و از یخ گرمی و سردی با هم رخ نمی‌دهد. این سخن دوآلیست‌هاست که می‌گویند از تاریکی بدی زاده شود و نیکی در آن نیست؛ زیرا یک فاعل، دارای دو فعل مختلف نیست.

<sup>۳</sup> Z: برگردان: او [نظام معتزلی] در جوانی، زمانی را با دوآلیست‌ها گذراند ... او بر این باور است که یک جنس واحد، دارای دو فعل و کارکرد متفاوت نیست، همان گونه که از آتش، گرم‌زایی و سرمازایی پدید نیاید ... این دیدگاه دوآلیست‌هاست.



## برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام

و نیز در کتاب الانتصار در ردّ ابن‌راوندی ملحد می‌بینیم که ابن‌الخیاط معتزلی در دفاع از ابراهیم همکار خود و در ردّ ابن‌راوندی زندیق می‌گوید: چون مانویان منکر آن‌اند که از یک فاعل دو فعل متضاد سرزند، از ایشان می‌پرسیم که پس چگونه یک فرد گاهی دورغ (که مخلوق ظلمت است) می‌گوید و گاهی درست (که مخلوق نور می‌باشد)<sup>۱</sup>.

### نتیجه

این اصل فلسفی که در آغاز کار از نظر سنیان دلیل ثنویان و به طور کلی علیه توحید اسلامی به شمار می‌رفت، بعدها چنان مردم مسلمان را تحت تأثیر نهاده بود که خردگرایان مسلمان به نفی توحید عددی برخاستند. اینان به خطبه‌های ۱ و ۱۶۱ و ۱۸۳ نهج البلاغه و برخی بندهای صحیفه سجادیه استناد می‌جستند و حدیث‌هایی از پیغمبر می‌آوردند که در یکی از آن‌ها پرسنده از پیغمبر می‌پرسد:

«و یأتی الخیر من الشر؟ پیغمبر مدتی ساکت مانده سپس می‌گوید: نه از خیر، شر سر نمی‌زند.»

این حدیث را کریمرز *J. H. Kramers* موضوع مقاله قرار داده با ترجمه فرانسه و تحقیقات در مجله اوریاتتالیا، ج ۲۱، بخش ۱، ص ۱۰ - ۲۲ منتشر کرده است.

این حدیث حتی در صحیح بخاری (سه مورد) و مسلم (سه مورد) و سنن ابن‌ماجه و نسایی (در چهار مورد) و مسند ابن‌حنبل و النهایة ابن‌اثیر آمده است.

پس از مغلوب شدن علم کلام در استوار نگاه داشتن مذهب سنی و درباری خلفا ابوالحسن اشعری در سده ۴ هـ کوشیده تا از فلسفه استفاده نماید و زیر ساختمان پوسیده علم کلام را شمعک‌های فلسفی بنهد. این عمل اشعری به گنوسیست‌های شیعه و فلاسفه در سده (سده پنجم) چون ابن‌سینا و ابن‌مسکویه جرأت داد که صریحاً از فلاسفه دفاع کنند و از اصول آن و از جمله همین قانون صدور در فصلی مخصوص دفاع نمایند.

<sup>۱</sup> الانتصار، تألیف ابوالحسن عبدالله بن محمد بن عثمان خیاط معتزلی درگذشته پس از ۳۰۰ق، چ نیبرگ *H. S. Nyberg* دارالکتب مصر، ۱۹۲۵م، برگه ۳۰.

<sup>۲</sup> Acta. Orientalia.

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

میرزا ابراهیم همدانی معاصر شیخ بهایی (د: ۱۰۳۱ ق) در رساله ویژه که به عنوان «لَا يَصْدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» نگاشته می‌گوید: بهمن‌یار برای درستی قاعده «لَا يَصْدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» از ابن سینا دلیل خواست، سپس همدانی دلیل‌های ابن سینا را آورده، شرح کرده است.<sup>۱</sup>

رساله ابن سینا درباره قاعده صدور به وسیله ضیاء ذری در مجموعه پنج رساله او در تهران ۱۳۳۳ خ در ۷۰ برگه، چاپ شده است.

در سده ۷هـ / ۱۳م باز هم این موضوع یکی از مسائل اساسی مفاوضات جاریه میان خواجه طوسی (د: ۶۷۲ ق) و صدر قونوی (د: ۶۷۳ ق) قرار گرفته است (ذریعه، ج ۲۱، ۳۱۲ - ۳۱۳) و نسخه دانشگاه (ج ۹، ۱۰۲۲) به خط ۷۶۲ خواجه طوسی رساله‌ای مستقل نیز در این موضوع نگاشته و چگونگی صدور جهان کثرت را از واحد، با فرض قبول صحت این قاعده بیان نموده است. (ذریعه، ج ۱۵، ۳۱ - ۳۲؛ ج ۱۶، ۸۹)

در سده ۱۱ مجدداً این مسأله را ملاصدرا مورد دقت قرار داده است و پس از او میرزا ابراهیم همدانی یاد شده در بالا رساله‌ای مستقل به عنوان «لَا يَصْدِرُ مِنَ الْوَاحِدِ إِلَّا الْوَاحِدُ» نگاشته که نسخه مورخ ۱۰۹۵ آن در مشهد موجود است (ذ. الواحد).

### این قاعده نزد متأخران

متأخرین نیز درباره اثبات این قاعده رساله‌ها داشته‌اند در ذریعه یکی به نام ملا نظرعلی گیلانی در ۱۲۰۶ و یکی شیخ سلیمان بحرینی (د: ۱۲۲۱ ق)<sup>۲</sup> و یکی به نام شیخ شریعت اصفهانی (د: ۱۳۳۹ ق)<sup>۳</sup> ثبت شده که به طبع این اخیر نیز اشارت

<sup>۱</sup> نسخه‌ای از رساله میرزا ابراهیم همدانی با تاریخ رونویسی محمدتقی فرزند محمدصادق موسوی در سال ۱۰۹۵ ق است که نزد علی اکبر مروج در مشهد بود، سپس به کتابخانه آستانه رضوی اهدا شد (ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۲۶).

<sup>۲</sup> الواحِدِ لَا يَصْدِرُ مِنْهُ، إِلَّا الْوَاحِدُ، سلیمان فرزند احمد آل عبدالجبار قطیفی (د: ۱۲۶۶ ق). نک: ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۲۸.

<sup>۳</sup> الواحِدِ لَا يَصْدِرُ مِنْهُ، إِلَّا الْوَاحِدُ، میرزا فتح‌الله شیخ الشریعة اصفهانی نمازی غروی نجفی، شریعت‌مدار (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ ق / ۱۸۵۰ - ۱۹۲۹ م)، چاپ در تهران (ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۲۹).

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

دکتر علی‌نقی مسزوی

کرده است. ما می‌دانیم که رسالهٔ دکترای مرحوم استاد یدالله نظریاک (د: ۱۳۲۴خ)<sup>۱</sup> نیز در همین موضوع بود که مورد قبول شورای دانشگاه واقع شد و استادی ایشان محرز گردید.

<sup>۱</sup> الواجد لا یصدُر منه، إلا الواجد، میرزا یدالله نظریاک (د: ۱۳۲۳خ) آن پایان‌نامهٔ دکتری او بود که آن را در سال ۱۳۱۴خ نوشت و از آن دفاع کرد (ذریعه، ج ۲۵، ۶، شماره ۳۲).

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

## کتاب‌نامه

## نمایه کتاب و مقاله

*.Dr. H. J. W. Drijvers. Bardaisan of Edesse. Assen 1966. P.P.5*

الانتصار في الردّ على ابن الراوندي المُلحد، ابن الخياط، ابوالحسن عبدالله فرزند محمد فرزند عثمان خياط معتزلی (ز: ۳۰۰ق)، چ نیبرگ *H. S. Nyberg* دارالکتب مصر، ۱۹۲۵م.

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام، قاعده لطف، دکتر علی نقی منزوی، مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد سوم، به کوشش محمدرسول دریاگشت، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۱۲۷، تهران، ۳۰ مرداد - ۵ شهریور ۲۵۳۵، برگه ۳۶۵ - ۳۷۵.

تاریخ یعقوبی، احمد فرزند ابویعقوب (د: ۲۸۴ق)، به کوشش هوتسما، صادر، بیروت، ۱۳۳۹خ / ۱۹۶۰م؛ دیگر: چاپ نجف، ۱۳۵۸ق؛ ترجمه محمدابراهیم آیتی، دو جلد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۱خ.

تلبیس ابلیس، الناموس فی تلبیس ابلیس، کشف تلبیس ابلیس، کشف ناموس تلبیس ابلیس، ابوالفرج ابن جوزی، عبدالرحمان فرزند علی (۵۰۸ - ۵۹۷ق)، قاهره، ۱۳۴۷ق و ۱۳۶۸ق؛ برگردان علیرضا ذکاوتی قراگزلو، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸خ.

تهافت التهافت، ابن رشد، ابوالولید محمد فرزند احمد فرزند اندلسی (۵۲۰ - ۵۹۵ق / ۱۱۲۶ - ۱۱۹۸م)، تصحیح سلیمان دنیا. مصر ۱۹۶۴.

الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الحادي والعشرون، المستبین - المقالة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۱خ / ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م.

الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الخامس والعشرون، واثق - یهو، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۷خ / ۱۳۹۸ق /

الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳خ / ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۵م.

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الرد علی الزندیق اللعین، تصحیح گویدی *Michl Anglo. Gyaidi* با ترجمه ایتالیایی، چ ۱۹۲۷ در ۵۴ + ۲۸ ص + ۱۲۷ ص مقدمه.
- الرد علی الزندیق اللعین ابن مقفع، قاسم بن ابراهیم (د: ۲۴۶ق)، تصحیح گویدی *Michl Anglo. Gyaidi* با ترجمه ایتالیایی، چ ۱۹۲۷ در ۵۴ + ۲۸ ص + ۱۲۷ ص مقدمه.
- سنن ابن ماجه، حافظ ابو عبدالله محمد فرزند یزید ربّعی قزوینی، ابن ماجه (۲۰۹ - ۲۷۳ق / ۸۲۴ - ۸۸۷م)، تصحیح و تحقیق بشّار عوّاد معروف، دارالجلیل، بیروت، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م.
- سنن نسایی، المجتبی من السنن، السنن الصغری، ابو عبدالرحمان احمد فرزند شعیب فرزند علی نسائی (۲۱۵ - ۳۰۹ق)، تحقیق ابوطاهر زبیر علی زئی؛ دیگر: بیت الأفكار الدولية، ریاض.
- صحیح بخاری، أَلْجَامِعُ الْمُسْتَدْرَجُ الْمُنْتَصَرُ مِنْ أُمُورِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ سُنَّتهِ وَ أَيَّامِهِ، حافظ ابو عبدالله محمد فرزند اسماعیل فرزند ابراهیم فرزند مغیره فرزند بردزبه بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق)، چاپ مصر، ۱۹۳۲ م.
- صحیح مسلم، الجامع الصحیح، ابوالحسین مسلم فرزند حجاج نیشابوری قشیری (۲۰۶ - ۲۶۱ق)، نصیح حافظ طرابلسی اسماعیل فرزند احمد، دارالطباعة العامرة، استانبول، سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ ق.
- صحیفه سجادیه، امام زین العابدین (ع).
- الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم، عبدالقاهر فرزند طاهر بغدادی (د: ۴۲۹ق / ۱۰۳۷م)، چ مصر، ۱۹۴۸ م؛ دیگر: دارالآفاق الجديدة، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۷۷ م.
- الفهرست؛ یا فوز العلوم، ابن ندیم وراق بغدادی، ابو الفرج محمد فرزند اسحاق (۲۹۷ - ۳۸۵ق)، چاپخانه رحمانی، مصر، ۱۳۴۸ ق؛ به کوشش و برگردان رضا تجدد، چاپ تهران، ۱۳۴۶ خ.
- مجلة اورينتالیا ج ۲۱، کریمرز *J. H. Kramers*.

برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، جلد سوم، به کوشش محمدرسول دریاگشت، انتشارات دانشگاه ملی ایران، شماره ۱۲۷، تهران، ۳۰ مرداد - ۵ شهریور ۲۵۳۵، برگه ۳۶۵ - ۳۷۵، برخی از مسائل مورد بحث مشترک در ایران پیش و پس از اسلام، قاعده لطف، دکتر علی نقی منزوی.

مدخل علم منطق / ایساغوجی، فروریوس صوری.

مسند ابن حنبل، ابوعبدالله احمد فرزند محمد فرزند حنبل فرزند هلال شیبانی مروزی (۱۶۴ - ۲۴۱ق)، تصحیح و تحقیق سعید محمد لحم، عادل مرشد، محمد نعیم عرقسوسی، کامل خراط، هیثم عبدالغفور و هفت تن دیگر، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۶م.

المقالات و الفِرق، سعد فرزند عبدالله، ابوخلف اشعری قمی (د: ۳۰۱ق)، تصحیح و مقدمه‌نگاری محمدجواد مشکور، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، مطبعه حیدری، تهران، ۱۹۶۳م.

المِلل و النِحل، محمد فرزند عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴خ؛ چاپ دیگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲م.

مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، علی فرزند اسماعیل اشعری، تصحیح هلموت ریتتر، دارالنشر فراز اشناینر، بیروت، لبنان.

النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن اثیر جزری (د: ۶۰۶ق) مجدالدین مبارک فرزند محمد فرزند عبدالواحد شیبانی موصلی رجالی، تصحیح محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷خ.

نهج البلاغة، شرح ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبةالله معروف به ابن ابی الحدید (۵۸۶ - ۶۵۶ق)، پژوهش محمد ابوالفضل ابراهیم، داراحیاء الکتب العربیة، عیسی الباب الحلبی و شرکاء.

الواحد لا یصدر منه، إلا الواحد، ابن سینا (د: ۴۲۸ق)، برگردان پارسی ضیاء دری، همراه پنج رساله ابن سینا در حکمت و فلسفه، تهران، ۱۳۷۲خ، ۷۰ برگه.

الواحد لا یصدر منه، إلا الواحد، ابوجعفر محمد فرزند محمد خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق / ۱۲۰۱ - ۱۲۷۴م)، نک: ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۳۰.



برخی از مسائل مورد بحث مشترک در  
ایران پیش و پس از اسلام

- الواحد لا یصدِرُ مِنْهُ، إِلَّا الواحد، سلیمان فرزند احمد آل عبدالجبار قطیفی (د: ۱۲۶۶ق). نک: ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۲۸.
- الواحد لا یصدِرُ مِنْهُ، إِلَّا الواحد، میرزا فتح الله شیخ الشریعة اصفهانی نمازی غروی نجفی، شریعت مدار (۱۲۶۶ - ۱۳۳۹ق / ۱۸۵۰ - ۱۹۲۹م)، چاپ در تهران (ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۲۹).
- الواحد لا یصدِرُ مِنْهُ، إِلَّا الواحد، میرزا یدالله نظریاک (د: ۱۳۲۳خ) آن پایان نامه دکتری او بود که آن را در سال ۱۳۱۴خ نوشت و از آن دفاع کرد (ذریعه، ج ۲۵، ۶، شماره ۳۲).
- الواحد لا یصدِرُ مِنْهُ، إِلَّا الواحد، نظرعلی گیلانی فرزند محمد محسن (ز: ۱۲۰۶ق)، نک: ذریعه، ج ۲۵، ۵، شماره ۳۱.